الله الا الله واز انفاس متبرکهٔ سلطان ولد است رحمة الله علیه حق تعالی چون آدم را
الله را بگو الله
آفرید قابلیت آن داد که او را بشناسد پس از هر صفتی بی پایان خود اندک اندک
در وی تعبیه کرد تا ازین اندک آن بسیار و بی نهایت را تواند فهم کردن چنانکه از مشتی
گندم انباری را و از کوزهٔ آب جوی را بنمائی داد تا معلوم شود که بینائی وی چه
چیز است و همچنین شنوائی و دانائی و قدرت الی ما لا نهایة مثنوی خلق را حق چو
ساخت در ظلمت ٭ نور شان ریخت بر سر از رحمت ٭ اندر ایشان نهاد کو هر یک
از صفات قدیم و علم و سخا ٭ تا تو در خود صفات او بینی ٭ در صفتهاش فرّ آن او بینی
همچو عطار کو ز هر انبار ٭ آورد در دوکان و در بازار ٭ اندکی آورد نه بسیار او
همه را تا ورد بیکبار او ٭ باشد انبارها و را بسیار ٭ پرورد هر یکی دو صد خروار
نهد از هر یکی بطبلهٔ خود ٭ قدر هر طبله بکلبهٔ خود ٭ گرچه این طبله بود اندک ٭ عاقلی
زین بداند آن بی شک ٭ هست دوکان حق یقین انسان ٭ اندرونش صفات الرحمن
پس تو در خود ببین صفات خدا ٭ گرچه اندک بود بدان صفا ٭ گرچه زان است آن
صفات بتر ٭ سیر کن زین قلیل سوی کثیر ٭ زین صفات قلیل رو سوی اصل ٭ مکن اندر
میان هر دو فصل ٭ دل بکنج ده اگر دلی داری ٭ چون از او میرسد ترا یاری

وانما علم الله سبحانه وتعالی الانسان الکامل اسماء الحسنی
و جز این نیست که تعلیم کرد الله سبحانه و تعالی انسان کامل را اسماء حسنی خود را
واودعها فیه فان الانسان الکامل روح العالم والعالم جسده
و ودیعت نهاد آنها را در وی پس بدرستیکه انسان کامل روح عالم است و عالم جسد اوست
کما سبق ان الروح هو مدبر البدن والمتصرف فیه بما یکون فیه
چنانچه بالا گذشت بدرستیکه روح مدبر بدن است و متصرف است در وی بچیزیکه میباشد در وی

من القوی

من القوی الروحانیة والجسمانیة وکذالک ای مثل ذلک المذکور من القوی
از قوتهای روحانیه و جسمانیه و همچنان ای مثل آن مذکور از قوی
الاسماء الالهیة للانسان الکامل یعنی انها له بمنزلة القوی بمنزلة
اسماء الهیه اند مر انسان کامل را یعنی بدرستیکه آنها مر انسان را بمنزلهٔ قوی اند بمنزلهٔ
تلک القوی الروحانیة والجسمانیة فکما ان الروح یدبر البدن ویتصرف
آن قوی روحانیه و جسمانیه پس چنانکه بدرستیکه روح تدبیر کنندهٔ بدن است و تصرف میکند
فیه بالقوی کذلک الانسان الکامل یدبر امر العالم ویتصرف فیه
در بدن بواسطهٔ قوای همچنان انسان کامل تدبیر میکند امر عالم را و تصرف میکند در وی
بواسطة الاسماء الالهیة اعلم ان کل حقیقة حقیقة من حقایق ذات
بواسطهٔ اسماء الهیه بدانکه بدرستیکه حقیقت حقیقتی است از حقایق ذات
الانسان الکامل ونشأته برزخ من حیث احدیة جمعها بین حقیقة
انسان کامل و خلقت انسان کامل برزخ است از حیثیت احدیه جمع خود میان حقیقتی
ما من حقایق بحر الوجوب وبین حقیقة مظهریة لها من حقایق بحر
از حقایق بحر وجوب و میان حقیقت مظهریکه مر آن حقیقت بحر وجوب راست
الامکان هی عرشها وتلک الحقیقة الوجوبیة مستویة علیها فلما ورد
از حقایق بحر امکان آن حقیقت امکانیت عرش آن حقیقت وجوبست و آن حقیقت وجوبیه مستوی بر آنست پس هر گاه که وارد
التجلی الکمالی الجمعی علی المظهر الکمالی الانسانی تلقاه بحقیقة الاحدیة
تجلی کمالی جمعی بر مظهر کمالی انسانی فرا رسید او را بحقیقت احدیه
الجمعیة الکمالیة وسری سر هذا التجلی فی کل حقیقة من حقایق ذات
جمعیه کمالیه و سرایت کرد سر این تجلی در هر حقیقت از حقایق ذات

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)